**خارج فقه جلسه 11 - مقدار رطوبت کف دست- 24/07/1401**

موضوع: **(مقدار رطوبت کف دست - ادله - تأثير رطوبت کف دست بر سر و پا)**

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

**فصل پنجم حکم رطوبتي که به اندازه مسح سر در کف دست باقيمانده است و براي پا باقي نمانده است. سيد در عروه نوشتند که آن مقدار کافي، براي مسح سر استفاده و براي مسح پاها از ساير اعضاي وضو برداشته شود بنابراحوط و اگر مقدار رطوبت براي سر کافي نبود مي‌تواند براي سر و پاها از بقيه اعضا بردارد.**

**دليل ايشان: اطلاق آيه و روايات است آيه ﴿وامسحوا برؤسکم و ارجلکم﴾ و دو صحيحه زراره و محمد بن مسلم که گذشت مطلق است يعني معين نکرد که رطوبت دست را از کجا بگيرد آيا از محاسن يا ابرو و ساير اعضاي وضو بگيرد را مشخص نکرد پس از ساير اعضا اگر رطوبت گرفته شود اشکالي ندارد.**

**اما در اينجا روايات مقيدي هم وجود دارد که مي‌گويد آن رطوبت و تري که در دست است براي مسح پا و سر استفاده شود و اين روايات آن مطلقات را قيد مي‌زند يعني مادامي‌که رطوبت دست باقي است استفاده براي مسح شود و اگر خشک شده از ساير اعضا برداشته شود چراکه در مسئله بعد مي‌آيد که جاي مسح مثل پا و سر بايد احساس رطوبت را بکند و صرف کشيدن دست کافي نيست لذا تأثير رطوبت در ممسوح شرط است.**

**سؤال: چرا سيد کلمه احوط را آوردند؟ چون ممکن است کسي بگويد با همان تري دست سر و پا کشيده شود اما ايشان احتياط واجب کردند که اگر تري دست به اندازه سر است براي پا از رطوبت ساير اعضا برداشته شود و نظر ما هم همين است و اگر هم اقوي گفته است بنا بر قول به عدم وجوب ترتيب گرفتن رطوبت است.**

**مسئله بيست و ششم: شرطيت تأثر ممسوح است. در ممسوح يعني پا و سر شرط است که اثر مسح را درک کند و در اينجا فروعي مطرح شده است:**

**فرع اول: در ممسوح شرط است که رطوبت ماسح را ببيند چون مسح به رطوبت مثل مسح به روغن است کسي که پا و دست را روغن مالي مي‌کند اثر آن را مي‌بيند پس صدق مسح عرفاً به اين است که اثر رطوبت را ببيند و اگر دست خشک باشد کشيدن صدق مي‌کند اما تأثر صادق نيست درحالي‌که مسح شرعي آن است که سر و پا متأثر بشود.**

**فرع دوم: اين تأثر بايد بواسطه دست باشد نه امر ديگري چون ابزار مسح دست است لذا اگر رطوبت از پارچه‌اي به سر يا پا منتقل شود صدق مسح نمي‌کند و به آيه و روايت عمل نشده است.**

**فرع سوم: رطوبت خارجي به ممسوح وارد نشود و اين فرع سه مسئله دارد:**

**مسئله اول: گاهي رطوبتي که بر روي پا و سر است، مانع از تأثر مسح نيست در اينجا اشکالي ندارد چون روايات و آيه مطلق است و خشک بودن جاي مسح را واجب نمي‌داند و اگر فقها خشک کردن جاي مسح را معتبر مي‌دانند براي اينست که صدق مسح بکند چون اگر رطوبت مانع از مسح شود صدق مسح نمي‌کند.**

**مسئله دوم: مقدار رطوبت ممسوح به‌اندازه‌اي است که بر رطوبت دست يا غلبه می­کند يا مساوي و يا اقل آن‌هم به‌طوري است که با رطوبت دست مخلوط مي‌شود؛ در اينجا بر متوضي واجب است که محل مسح را خشک کند چون با اين رطوبت‌هاي فوق صدق رطوبت دست نمي‌کند.**

**مسئله سوم: در تأثير رطوبت بر ممسوح بايد يقين کند و گمان کافي نيست و دليل قاعده اشتغال يقيني يقتضي براءة اليقيني و استصحاب عدم تأثير يا رطوبت ممسوح است.**

**سؤال: آيا در اينجا استصحاب عدم حاحب يا عدم مانع جاري مي‌شود يا نه؟ خير چون اصل عدم مانعيت لازمه عقلي و عرفي آن اين است که رطوبتي که روي پا است رطوبت دست است و اگر استصحاب لازمه عقلي يا عرفي را اثبات کند اصل مثبت است و اصل مثبت حجت نيست.**

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين